

# چارچوب

...

ای پیامبر! با کافران و منافقین جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر تعریف ۹

شماره ۴ - بهمن ۱۳۹۸



ارتباط با نشریه

شماره تماس: ۰۵۱۲۸۶۱۹۰۹۸۷۹۰

ایمیل: Charkhe.ut@gmail.com

Charkhe.ut

# قابل توجه بخوبیه دانشجویان

نگین قربانی



سایت هم همیشه از تهران مشکل داره! آدمای تبلیغات عالیس و بیسکوئیت متناسفانه اونا همه تلاششون رو کردن ریعون جوین باشنند. اما از حق نگذریم ولی شناسن شما عمرش به دنیا نبود. اونا هم خسته می شند.

مرحله بعدی که مسئله رویارویی با دراصل مسئولین آموزش داران دانشجوی مسئولین آموزش، همیشه بدینید خودشون رو پشت سر گذاشتن بنابراین مهم نیست چی می گید مهم اینه اگر شما واحد های تخصصی خودتون مقصودتون رو چطور می گید؟ پیام رو بعد از خواهش از دولستانون که اخلاقی این شماره و مسئولی که برای شما انتخاب واحد کنند بروداشته اونجا نشسته قرار نیست به شادمانی باشید حتی اگر تعداد واحدها دوازده تا چهارده واحد باشه کفایت می کنه و باید کلاهتونم بندازید هوا و بیخیال بشید. دیگه استاد اسلامی خواه اصل و فرع نداره شما باید از ارزشمند بودن محتوا درسی کلاس استفاده کنید و از حاشیه ها دوری کنید.

بین هر ورودی تعدادی هستند که نقش آقوی همساده رو ایفا میکنند یعنی اگر همه افراد دست از انتخاب واحد بکشند بازم سایت باهشون همراه نمیشه و اسلامی خواه فرع ساعت پنج صبح روز شنبه نصیشون میشه امیدوارم شما اون آقوی همساده نباشید اما اگر بودید تا چهل شب گل گاو زبون بخورید و نفس عمیق بشید.

تا اینجا از دست تقدیر گفتیم اما باید بدینید این همیشه دیگران نیستند که سرنوشت شما رو میسازند؛ کوتاهی از خودمون هست مثلاً ای عزیزی که کلاس اخلاق ساعت هشت صبح شنبه برمه داری که کلاس به حد نصاب برسه و استاد مجبور شه کلاس رو تشکیل بده نمره سیزده اون درس هزار بار تقدیم تو باد یا مثلاً اگر قبیل از ساعت ناهار و ساعت آخرین کلاس در واپسین دقایق از استناد سوال می پرسید بدینید همانا که از نجسب ترین بندگانید و گروه گروه به سمت مشروط شدن رانده خواهید شد!

در آخر اینکه بدینید بآ وجود این سخنان ارزش علم هرگز قابل سنجیدن با نمره نیست (شمع دیگری در امامزاده برای انتخاب واحد ترم بعد خود روشن میکنند)

امید است که با اعمال تغییرات وارد به درام اجتماعی تغییر پیدا نکند... از دانشجو شدن و ورود به دنیای جدید گفتیم حال و قفسه و قایع پیش رومون رو یکی یکی به بوته نقد ببریم:

## ● انتخاب واحد

پدیده ای غریبه که برای ترم دوم هیچ کس حاضر نمیشه نحوه کار کردن با سایت گلستان رو از قبل برآنون توضیح بده.

در اصل شما وارد یه سایت نمی شید وارد جنگی میشید که در اون هیچ کس حاضر نیست بگه برادر من تیر خوردم شما برو من جلوشون رو می گیرم!

اینجا صمیمی ترین دولستان هم میخواهد واحد های خودش رو با بهترین استاید و بهترین زمان بینه بره پی کارش این موضوع مال دیروز و امروز نمیست روایت داریم زمان خود قیصر امین پورم قیصر زنگ می زده به دولتش که حاجی من تنومنست با اسلامی خواه اصل گلستان سعدی مردم بردارم حالاچی کار کنم؟ نوشت هم میگه حاجی، استاد اسلامی خواه فرع که خیلی سخت گیره باید کل هشت باب گلستان رو حفظ کنید آخرش فقط به دخترنا نممه بید.

این مکالمات هم زمان باتاسیس سایت گلستان وجود داشته و در زمان شما ورودی های جدید که هیچ حتی زمانی که انسان ها بتونند زندگی جدیدی رو روی مریخ آغاز کنند باز هم این مشکلات وجود خواهد داشت.

در وهله بعد بدینید همیشه تعدادی از افراد هستن که در اون بجبوهه جنگ دنبال شماره تلفن مسئولان آموزش هستند و تعدادی جامه دران و نعره زنان جلوی اتاق مسئولین دانشکده می زند و نوای "به خدا کافراگر بود به رحم آمده بود زان همه ناله که من پیش تو (بزرگوار) کردم" سر می دن تا افزایش ظرفیت برای کلاس های اسلامی خواه های اصل بگیرن اما همواره با درسته مواجه می شند چون اون بنده خداها هم (بزرگواران) روز انتخاب واحد کار دارند

به راستی چه کسی جز تو می توانست این ترافد زیبا را خلق کند؟ چه کسی می توانست "تَعَزِّزَ مَنْ تَشَاءَ" را اینگونه به تصویر بکشد؟ تو عباس(۶) را پیش حسین(۷) را سفید کردی سردار... مرحا که چه مردانه از حرم دفاع کردی؛ چه خوب به رقه(۸) نشان دادی که اگر عباس(۹) نیست، قاسم های دوران هستند تا دست یزیدیان را از اهل حرم کوتاه کنند... همه می ما "عَنْدَ رَبِّهِمْ بُرْزَقُونَ" را شیده ایم اما؛ خداوند چه زیبا رزق میهمانی ات را به جهان نشان داد از خانه ی باب الحوائجه(۱۰) تا باب القبله الحسین(۱۱) و از آنجا تا ایوان نجف. همه دیدیم آغوش گشایی شاه خراسان را در بزم بدرقه ات و بیرق عزای برافراشته ی حرم اهل بیت را در قم، آری این خاندان راه و رسی میهمان نوازی را خوب بلد اند، قادر پاسدار حرم عقیله بنی هاشم را می دانند... و اما حکایت دستی که جا ماند؛ دستی که با عشق بر سر فرزندان شهدا کشیدی همانی بود که با اشاراتش لرده به اندام کفر می افتد!

دستی که علم خیمه ی زنلب(۱۲) را بر افراشته نگه داشت تا به دست با اهلان نیافت حقا که تو "أشدَّةُ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحْمَاءُ بَيْنَكُمْ" را کلمه به کلمه ادا کردی بعد از تو، تاسوعا هایمان رنگ و بوی دیگری خواهند گرفت، چون حالا معنی از دست دادن سردار را خوب می فهمیم دستان بریده یک علمدار را دیده ایم و داغ رفتمن و نیامدنت را در قلب هایمان حس می کنیم همه می ما "وَالَّذِينَ يَحْسَبُنَ الَّذِي قُلْلَوا..." را شنیده ایم اما؛ چه زیبا نشان دادی که آنها فقط خیال کرده اند که تو را کشتن، و تو از همیشه زنده تری! چون هنوز هم از عکس نگاه نافذت می ترسند و از دیدن نامت به خود می لرزند، همان هایی که دم از آزادی بیان می زنند حالا فریاد های جهانی را به بند کشیده اند... سرشان را زیر پتو کردند و خواب پنه دانه می بینند و در افاضاتشان می گویند: همه چیز خوب است نمی دانستند که با دستان خالی قمار کردن ممکن است به قیمت جانشان تمام شود، کسی را از ما گرفتند که یک تار موی سفیدش از کل کاخ سیاهشان با ارزش تر بود به غلط چرتکه انداختید آقایان سردار مان همیشه می گفت: من در بیابان ها دنبال شهادت می گردم... و شما او را فقط به آرزویش رسانید

اما خودمانیم حاج قاسم ولی من فکر می کنم تو به دنبال شهادت نبودی، که اگر اینگونه بود در همان عملیات های والفجر(۱۳) و کربلای ۵ به آن می رسیدی این شهادت بود که تو را دنبال می کرد تا خودش را به نام شما مزین کند، از بلندی های جولان تا حلق و بیابان های دیرالدور تا عراق... و عراق جایی بود که پس از مدت تن خسته ات را به آغوش کشید

تو خودت به تنهایی برای نسل ما انقلابی دگر بودی برای مایی که نام شهید را در کوچه پس کوچه و خیابان ها دیده بودیم، و فرزندان شهدا را از روی سهمیه و داشنگاهشان می شناختیم ترازدی را خلق کردی که دیگر اکنون این واژه را در تک لحظات خود مجسم می بینیم. در دوره‌های های دوستانه مان، در کافه گردی های شبانه مان و یا حتی هنگامیکه با آرامش در صفحه تماشای فیلم در سینما ایستاده ایم تو کاری کردی که حالا دیگر همه می ما خودمان را فرزند شهید می دانیم ، چون تو ما را فارغ از هر رنگ و سلیقه ای دختران و پسران نامیدی و ما در تمام این سال ها سایه ی پدرانگی هایت را بر سر مان حس می کردیم اما افسوس که تو رفتی... رفتی و پس از تو نام خانوادگی تمام جوانان ایران سیلیمانی شد

رفتی و سهم الارث مان شد امنیت و آرامشی که برایمان به ارمغان آورده بودی

حالا تک تک ما با افتخار می گوییم:

#من\_یک\_فرزند\_شهید\_انقلابی\_ام  
فرزند شهید سیلیمانی، در انقلاب سال هزار و سیصد و نود و هشت



# رفت؟ کی؟

سینا لک زای



دور و بر ساعتای دوازده ظهر مثل همیشه پس از کلی سروصدا توانی خونه بالاخره چشمam را باز کردم و چرخی توی رختخواب زدم، مثل همیشه گوشیم رو دستم گرفتم که با چک کردنش روزم رو شروع کنم، بدید که در اینستاگرام، تلگرام و هرجایی که می‌رفتم عکس سردار قاسم سلیمانی رو گذاشتند و هر کسی تقریباً یک متنی نوشته، پست کرد یا خلاصه به گونه‌ای ادای احترام کرد.

کمی طول کشید که خبر رو باسور کنم و در کنم می‌دونستم که سردار آدم خیلی مهمی برای کشور بود اما راستش رو بخواهید این تنها چیزی بود که راجع به سردار می‌دونستم!

پس از مطالعه خبرهای کانال‌های مختلف، از نحوه انجام ترور گرفته تا زمان انجام ترور و ... بالاخره از تخت بلند شدم و رفتم داخل نشیمن خانه تا حال و هوای عوض کنم و کمی خودم رواز حس عجیب تازه ای که وجودم رو فراگرفته بود جدا کنم اما خب وض اتفاق مثل همیشه نبود. خونه ساخت تر بود و هر کسی رو که نگاه می‌کردم توی فکر بود یا داشت خیرای تلویزیون رو نگاه می‌کرد. من هم شروع کردم به چک کردن بقیه شبکه‌ها که بینهایم جایی هم هست که راجع به چیزی غیر از سردار صحبت کنند؟ که دیدم نه نیست که نیست! با خودم گفتمن خب اینجوری که نمیشه من هیچی نمیدونم بهتره برم بینم چقدر سردار مهم بوده ... فکر می‌کنم ساعت یک ظهر بود که رفتم توی اینترنت و مقاله‌های مختلف از سایت‌ها و مجله‌های مختلفی چه ایرانی چه آمریکایی و ... روطایله کردم جوری که اصلا متوجه نشدم زمان چجوری گذشت! خاطره‌های جذاب، داستان‌هایی از نقشه‌هایی که در دوران جنگ می‌ریختند و القاب و صفات‌هایی مختلفی که شدت مطالعه راجع به ایشون زیاد بود. یک سری از چیزهایی که بیشتر از بقیه مطالعه چشمم رو گرفت رو برای شما اینجا جمع آوری کردم:

جزوه‌های دشمن بزرگ دنیا در بخش دفاع و امنیت از دید نشریه‌فارن پالسی نیوبورک ایشون رومردقدرتمند غرب آسیا خطاب کرد بود چیزی که خیلی بیشتر از بقیه القاب و داستان‌هایی که خوندم نظرم رو جلب کرد لقب فرمانده سایه بود.

که وقتی این لقب رو مشاهده کردم، کنچکاو شدم که بفهمم چه کسی این لقب رو به سردار سلیمانی اختصاص داده: با کمی جست و جو متوجه شدم که دکستر فیلینکز، نویسنده مجله آمریکایی نیوبورک در گزارشی که بیش از ده هزار کلمه در معرفی سردار نوشته بود به او لقب فرمانده سایه یا فرمانده پنهان را داده بود که پس از انتشار این گزارش، این لقب بارها و بارها در رسانه‌های دیگر جهان از جمله آمریکایی آتلانتیک و خبرگزاری فرانس بیست و چهار کشور فرانسه تکرار شد احتمالاً با خاطر محیط فکری تخلی خودم باشه اما این لقب فرمانده سایه که غربی ها روی حاج قاسم گذاشته بودند یه تصاویری تو ذهنم درست کرد که خیلی به دلم نشست!

هرچی بیشتر می‌خوندم و بیشتر جلویی رفتم ناراحت تر می‌شد که چرا این شخصیت بزرگ رو از دست دادم اما یه احساسی درونم بود که از ناراحتی شدید تر بود و اون هم عصبانیت از دست خودم بود که چرا من امروز باید ایشون رو بشناسم؟! حتماً باید چیزی رواز دست بدم تا قدرش رو بدونم و تاثیر کارهاش رو توی زندگیم احساس کنم؟

حداقل! کمی بیشتر به افرادی که برای امنیت یا چیزی که روی زندگی من اثر می‌زاره تلاش می‌کنند اهمیت بدم و حتی اگر قرار هست که بهشون اهیت ندم حداقل بدونم به چه آدمی دارم بی‌اعتنایی می‌کنم.



# پیروی یا پیروزی؟

عادل اسماعیل پور

ماجرا از آن قرار است که کنفرانسیون فوتبال آسیا موسوم به AFC در تاریخ ۱۹ اژانویه ۲۰۲۰ (۳۰ دی) در اقدامی کاملاً سیاسی و یک طرفه اعلام کرد که تیم‌های حاضر ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا به علت عدم امنیت در ایران از میزبانی آسیا محروم شدند.

این تصمیم عجیب موجب تعجب اهالی فوتبال و حتی اهالی سیاست هم شد. سخنگوی وزارت امور خارجه، دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کمیته المپیک ایران، سازمان بسیج ورزشکاران و ... از معترضین به این تصمیم بودند چرا که موارد بسیار زیادی از کشورهای اطراف ایران در رابطه با نامنی وجود دارد که در عین حال حق میزبانی از انها سلب نشده است و این بر سیاسی بودن تصمیم AFC کاملاً صحه می‌گذارد و شک مارا به یقین تبدیل می‌کند.

عراق سال هاست در گیر داعش، نیروهای امریکایی و جدیداً تظاهرات برای تغییر حکومت است. عربستان و یمن درگیر جنگ با یکدیگر هستند و هر روز شاهد حملات متقابل هر دو کشور بر همدیگر هستیم. بحرین نیز دچار بحران داخلی و تغییر حکومت است.

این اقدام سیاسی AFC با واکنش نمایندگان ایرانی قاطع نمایندگان ایران همراه شد که از قضا بسیار احساسی هم بود تصمیم به کناره گیری از مسابقات. همین تصمیم احساسی باعث شد تا AFC به کاهش جذابیت مسابقات در صورت نبود نمایندگان ایرانی پی برد و در جلسه فوری خود با نمایندگان باشگاه‌های ایرانی از مسابقات خود تا حدودی صرف نظر کند.

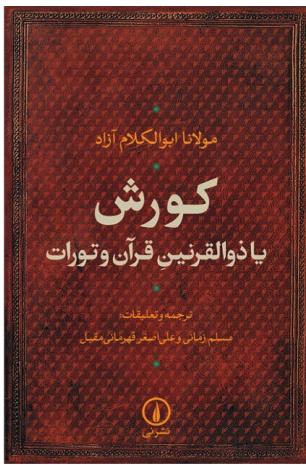
نمایندگان ایرانی چهار تیم ایرانی حاضر در لیگ قهرمانان اعلام کردند که تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند در کشور ثالث بازی برگزار کنند.

این تصمیم AFC در آستانه دیدارهای حساس استقلال ایران و شهر خودرو ایران در پایی آف آسیا باعث شد تا بیش از پیش به لابی گری و دخالت سیاست در فوتبال پی ببریم.

این تصمیم از آنجایی مشکوک تر تلقی می‌شود که اشخاص مهم تصمیم گیرنده در این رابطه، اشخاصی هستند که تیم کشور آنها با استقلال پدیده شهروند ایران بازی داشت. بعد از اعلام کناره گیری نمایندگان ایرانی به سرعت حقوقدان ورزشی و بین‌المللی تبعات تقریباً سنتگین کناره گیری را به نمایندگان گوشزد کردند از جمله تبعات آن جریمه نقدی سنگین و محرومیت حداقل دو ساله از مسابقات ورزشی بود.



# کتاب بھمن



مسئله‌ی «ذوالقرنيين» موضوع پيچيده‌ای است که از ديرباز مورخان و مفسران را سرگشته و سردرگم کرده است. اين تام در کتاب مقدس و قرآن کریم آمده است؛ فرقان کریم او را يکی از پادشاهان کهن داند و از عی، به نیک پاد می‌کند.

لی داده و از وی به بیکاری یاد می شود.  
حال، پرسش این است که این پادشاه  
کیست، نامش از کجا بر زبان ها افتاده،  
برای چه چنین لقب شگفت آوری گرفته،  
و چه اندیشه‌ای پشت این لقب بوده  
است؟ آیا در حقیقت پادشاهی با این  
القب وجود داشته است؛ یا ماجرای او  
صرفاً افسانه‌ای از افسانه های پیشینیان  
است؟ در طول تاریخ پاسخ های متفاوتی  
به این پرسش داده شده و مصادق های  
متعددی برای این لقب معرفی شده  
است. در سده های معاصر، مولانا ابوالكلام  
آزاد، متفکر بزرگ هند، با مستندات  
تاریخی، کوشش را مصدق ذوالقرنین  
مذکور در قرآن و تورات می داند و به این  
پرسش تاریخی پاسخی مستدل می دهد:  
نظریه‌ای که مفسر بزرگی چون علامه  
طباطبائی، نبی آن، را ذکر فته است.

موالیا ابوالکلام آزاد  
منتجم: علی اصغر قهرمانی مقبل، مسلم زمانی  
ناشر: نشانه رنگی  
قیمت نسخه فیزیکی (اکنون): ۳۲,۰۰۰ تومان  
قیمت نسخه الکترونیک (فیدیو): ۱۶,۰۰۰ تومان

با کد تخفیف **HIFIDIBO** نسخه الکترونیکی این کتاب را در اولین خریدتان با ۴۰٪ تخفیف از فیدبو بخرید.

## دانشگاه صادرکنندۀ جزوی از دانشگاه آزاد اسلامی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر،  
طراح و مفہوم آرا: محمد امین عبیدی قمی  
مسئول رسانه و تدارکات: ابوالفضل رفیعی  
مینه انتشار: فرهنگی-اجتماعی  
سیاسی، اقتضایی، هنری، ادبی  
تاریخ انتشار: ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ شماره: ۶

حتماً با ما در  
تماس  
باشید. منظر  
نظارات، پیشنهادات  
شما هستیم  
@Charkhe\_UU



شیوه نامه ضد دانشجویی

أبوالفضل رفيعي

## ● شیوه نامه و آین نامه جدید انضباطی

● **شیوه نامه و آینین نامه جدید انصباطی**  
در مرداد ماه ۱۳۹۸ شیوه نامه اجرایی و آینین نامه انصباطی جدید به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید و از تاریخ ۲۷ مرداد ماه سال جاری به دانشگاه‌ها بایلاغ و لازم‌الاجرا گردید. آینین نامه نامبرده موجب واکنش و اعتراضات بسیاری از فعالیت دانشجویی از جمله انجمن‌های علمی دانشگاه‌های ایران شد. با عنایت به این آینین نامه، پی‌می‌بریم که این آینین نامه در مواردی نسبت به آینین نامه سابق، تغییراتی داشته اما بسیاری از این تغییرات، ناعادلانه و به عبارتی ضد دانشجو بوده است چرا که در بسیاری از مسائل مقام دانشجو و حتی دانش‌آموخته را از حقوق انسانی چون آزادی و عدالت محروم کرده است.

در کنار سلب آزادی و امنیت حریم خصوصی دانشجو، به مقامات دانشگاهی اختیارات ناعادلانه و یک طرفه‌ای اعطا شده که موجب بسیاری از مشکلات برای دانشجو حین تحصیل و یا حتی بعد از صورتی که عنوان مجازات دو تخلف او به عنوان مثال متن از تحصیل باشد، از بین آنها، شدیدترین مجازات اعمال می‌شود که این آیین‌نامه را نسبت به آیین‌نامه سابق، ناعادلانه جلوه می‌دهد.

## ● حذف تخلف و تنبیه در صورت ایجاد مزاحمت برای یکانواع:

حق و اثبات ادعاهای خود داشته و این موجب صدور حکم‌های غیرمنصفانه و مشکل آفرین برای دانشجو می‌شود.

## ● به موارد اندکی از این آین نامه اشاره می‌شود:

بنده الف ماده ۱۲ - مورد ۹۶: آوردن معیار «ساه» برای مدت موقت منع از تحصیل در کنار «نیمسال» که دست دانشگاه را در صدور حکم تعليق به طور مثال به پنج ماه باز گذاشته که عملاً دانشجو از دو نیمسال تحصیلی محروم می‌شود.

## ● به موارد اندکی از این آیین نامه اشاره می‌شود: